

به نام خداوند رحمتگر مهربان
خداوند هستی خدای جهان

آوای عشق یوسف و زلیخا

تبیین آیات سوره مبارکه یوسف (ع)

غلامرضا نادری



انتشارات عصر مدرن



انتشارات عصر مدرن

سرشناسه	غلامرضا نادری-۱۳۲۹-قرآن، سوره یوسف، فارسی - عربی
عنوان و نام پدیدآور	آوای عشق یوسف و زلیخا: تبیین آیات سوره مبارکه یوسف (ص)/غلامرضا نادری.
مشخصات نشر	سیرجان بافت عصر مدرن-۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	۱۵۱ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۴۰۳-۶۹-۲
عنوان دیگر	تبیین آیات سوره مبارکه یوسف (ص).
موضوع	شعر فارسی- قرن ۱۴ Persian poetry
موضوع	قرآن، سوره یوسف - شعر Qur'an, Surat Yusef - Poetry
موضوع	قرآن، برگزیده‌ها - ترجمه‌ها - شعر Qur'an, Selections - Translations -- Poetry
رده بندی کنگره	۸۳۶۲ PIR
رده بندی دیویی	۶۲/۱۶۸
شماره کتابشناسی ملی	۸۶۸۵۰۱۱

موسسه انتشارات عصر مدرن

نام کتاب:

آوای عشق یوسف و زلیخا تبیین آیات سوره مبارکه یوسف (ع)

مولف: غلامرضا نادری

پیمایش گر آیات: دکتر فرزین سلیمی salimi110@yahoo.com

ناظر و مشاور فرهنگی: محمد دهیادگاری

ویرایش: غلامرضا نادری

طراحی جلد، صفحه‌آرایی: مهدیه خنجری

نوبت چاپ: اول - سال انتشار: ۱۴۰۰ - تیراژ: ۱۰۰۰ - هدیه ای

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۰۳-۶۹-۲

آدرس ناشر و مرکز پخش:

سیرجان: خیابان دکتر شریعتی، مجتمع میلاد، همکف، واحد ۱، کد پستی: ۷۸۱۳۶۴۳۶۱۶ تلفن:-

۰۹۱۳۳۷۹۲۱۶۹ ۰۳۴۴۲۳۳۲۶۹۶-۰۳۴۴۲۳۳۲۶۹۷

مشوق و ایده پردازان: محمد صادق، محمد صالح، اسما، مهسا نادری و خانواده گرامی

حق چاپ و نشر محفوظ است.

فهرست

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار.....
۱۱	توصیف آثار لسان الروح در قالب شعر.....
۱۵	سخنی از لسان الروح تقدیم به خوانندگان.....
۱۷	مقدمه (احسن القصص).....
۲۲	تبیین آیات ۱ الی ۱۱۱ سوره یوسف.....
۱۴۳	تبیین آیه ۳۴ سوره غافر (مربوط به یوسف پیامبر).....
۱۴۴	خاتمه القای ذهنی لسان الروح و جمع بندی اشعار.....
۱۴۸	منابع کمکی.....

پیشگفتار

غلامرضا نادری (تخلص لسان الروح) ساکن سیرجان در روستای باصفای چشمه سبز گوغر از حوزه ی بافت (مرکز اقطاع افشار) چشم به جهان گشود . او از نوادگان نادر شاه افشار از فرزند دومش نصرالله میرزا که پس از قتل عام دودمان نادری توسط محمد شاه قاجار طفل سه ساله اش به نام اسدالله میرزا جد اعلاى پدری لسان الروح به وسیله ی میهن پرستان آزاده از مرگ نجات می یابد و تحویل خواجه بافتی می گردد که در کمال امانتداری و انسانیت سرپرستی جد بزرگوار لسان الروح را به عهده می گیرد. تا زمان رضا شاه خاندان لسان الروح را از اقوام خواجه بافتی می نامیدند که بعد از سال ۱۳۰۴ طبق طومار و اسناد معتبر و گواهان به نام خانوادگی اصلی (نادری) ثبت تاریخ گردید و بدون پیشوند و پسوند به نام خانوادگی *خاندان نادری* معروف گردیدند.

پدر لسان الروح علی محمد آزاده مردی تحصیل کرده و از تجار خوش نام و مردم دار بود که ضمن تجارت، عضو اصلی شورای شهرستان بافت مرکز اقطاع بوده و از معتمدانی بی ادعا که عمر خود را در خدمتگزاری مردم سرزمینش قرار داد و در نجابت و پاکدامنی شهره ی آفاق بود . او یکه تاز صحنه ی اخلاق و ادب و علم بود . مادرش دختر مرحوم حاج محمد تقی محسن زاده معروف به حاج آقا اصفهانی از تجار بنام و خیر زمان خود بوده است. مرحومه والده ی جنت مکان لسان الروح پایبند دین و مذهب بوده و این بانوی مکرمه، حافظ قرآن و استاد علوم قرآنی که ز گهوار تا گور به دنبال علم و دانش راه

را پیموده و فرزندی پاک چون غلامرضا نادری (لسان الروح) را در دامن پاک خود

پرورش می دهد. روحشان شاد! و یادشان گرامی باد!

استاد در وصف مادر مکرمه ی خود چنین می سراید:

روح او حاضر و ناظر با ما می کند دعا بر ما پیش خدا

والدین بر ما شریک اند بر خدا سجده بر آنها کنیم هست به جا

باخبر هستید داریم خبر از دعای خیرشان بر ما ظفر

می شناسم خود و با خود خویشم جز به جانان کی؛ کی کجا اندیشم

همرهم مکتب و دین و کیشم در فراغ تن و کی درویشم

این شاعر گرانمایه و با استعداد از کودکی با تعلیم و تربیت صحیح پدر و مادر و علاقمندی بر سر کلاس و درس حاضر می گشته است. وی از کودکی ارتباط معنوی با عالم بالا داشته و این رابطه در دوران مختلف زندگی او به مراتب بیشتر و قوی تر گردیده است.

در نوجوانی و جوانی نهال های تازه ای در بوستان علم و ادب و معرفت کاشته است که زود به ثمر نشستند و میوه های رنگارنگ و دلربایی را به صاحبان و اهل هنر و علم به ارمغان دادند. این آزاد مرد بزرگ اندیش (لسان الروح) منظومه هایی را گردآوری

نموده که اگر به دیده ی بصیرت به آن نگاه نمائیم ریزه کاری های زیبا و هنرمندانه ای با مضمون های بی بدیل و استعاره ها و تشبیهات با طراوت به چشم می خورد.

جای بسی تفکر و تعمق و دور اندیشی است که این شاعر بزرگ و عارف ربانی تحت تاثیر آیه ی شریفه ی ۸۵ سوره ی اسرا^۱ علاقمند و پیگیر علوم قرآنی و روحی گشته که از زبان این عارف شیدا و پژوهشگر علوم قرآنی می شنویم:

خوشا آن شب شبی اندر سحرگاه شدم با دوستان خوب همراه

به زیر خیمه ای بی با صفا بود نشان ها از خدا هم اولیا بود

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا
تبیین:

ز روح پرسند از تو بندگانم بگو روح هست به فرمانش ندانم

کجا من، کی ملائک جز خداوند ز علم روح حقیقت را بدانند

ز علم روح قلیلی اندکی کم هویدا کرده ایم بر نسل آدم